

حسابهای جاری

مسعود الشبیتی / شیوا مشیرفر

تعریف سپرده و مهمترین خصوصیات آن
قبل از شروع مطلب و پرداختن به آن باید سپرده شرعی و قرض را تعریف کنیم. چرا که این دو اساس بحث را تشکیل می دهند. ابتدا به تعریف سپرده شرعی می پردازیم و سپس به سپرده بانکی.

تعریف سپرده از نظر شرعی

۱ - ودیعه از نظر لغوی فعلیل به معنی مفعول است از «ودع» یعنی ترک کردن.

ابن قَطَّاع می گوید: «وَدَعْتُ الشَّيْءَ وَدَعَا» یعنی آن را رها کردی و «اودعتك الشيء» یعنی آن شیء را به امانت پیش تو گذاشتم. لذا اگر بگوییم

«قبلته منك وديعه» از تو و ديعه‌ای قبول کردم این از اضداد است.^۱ ابومنصور می‌گوید: آنچه در کلام عرب معروف است این است: «اودعت الرجل» هنگامی که چیزی را به امانت گرفتم تا برایت حفظ کنم، اما «اودعته» به معنی «امانتی را قبول کردم» معروف نیست.^۲ اما «ایداع» به معنی طلب کردن در حفظ و نگهداری است.^۳

۲ - سپرده از نظر اصطلاح یعنی «مالی که به شخصی می‌دهند تا آن را نگه دارد بدون هیچ چشم‌داشتی»^۴ و در کشاف القناع اضافه شده: و ديعه «حق خصوصی افراد است مانند سگ شکاری و مانند آن»^۵. پس بنابراین سپرده در شرع یعنی امانتی که به دیگری می‌دهیم تا آن را حفظ نماید. سپس اگر امانت دهی با جواب مثبت و پذیرش باشد در این صورت حکم آن واجب‌الحفظ است اما اگر بدون تجاوز و کاهشی در آن، جنس به و ديعه گذاشته شده ناپود شود در این صورت دینی بر عهده کسی که و ديعه نزد وی بوده، نیست.

ویژگیهای تعریف

با قید «ثروت» و «حق مختص» آنچه ثروت یا مختص نیست، خارج شده، مانند: سگ که گرفتن آن حلال نیست و همینطور شراب و خوک و آلات لَهو و لعب.

۱ - البعلی، المطلاع علی ابواب المقنع، ۲۷۹؛ و ابن المبرد، الدر الثقی ۳/۲۹۹؛ الفیومی، المصباح المنیر، ۳۲۸.

۲ - الأزهری، الزاهر، ۲۷۹.

۳ - المناوی، التوفیق علی مهمات التعاریف، ۳۶۶.

۴ - البهوتی، شرح منتهی الارادات، ۲/۴۴۵.

۵ - البهوتی، ۱۶۶/۴.

و با قید «مدفوع» خارج نموده آنچه باد به خانه‌ای آورده است مانند لباس، و آنچه به زور به دست آمده باشد مانند اشیاء غصب شده و به سرقت رفته.

و با قید «حفظ» خارج کرده چیز عاریتی و مانند آن را.
و با قید «عدم العوض»، اجیر گرفتن را برای حفظ اموال^۱ خارج نموده.

ارکان ودیعت (قرض دادن)

ارکان وکالت برای سپرده:

۱ - دو عاقد که عبارتند از: شخص مودِع (قرض دهنده) و شخص مستودِع (قرض گیرنده).

۲ - صیغه که عبارت است از ایجاب و قبول.

۳ - محل که عبارت است از عین شیء که قرض داده می‌شود.^۲

و هریک از ارکان یادشده را شروطی مترتب است که در کتب فروع شرح داده شده است و درباره مشروعیت هریک از آنها در قرآن و سنت سخن رفته است، آنجا که خداوند متعال فرموده: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا»^۳. و در جای دیگر می‌فرماید: «ان الله يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»^۴.

مسأله سپرده‌گذاران و قرض دادن را قرآن با عنوان تعاون و همکاری در نیکی و تقوی تعبیر کرده و اینگونه تشویق و ترغیب شده (و تعاونوا علی البر

۱ - البهوتی، کشاف القناع، ۱۶۶/۴.

۲ - النووی، روضة الطالبین، ۳۲۴/۶؛ البهوتی، شرح منتهی الارادات ۴۵۰/۲؛ نزه کمال حماد، الودیعة، ۲۷.

۳ - الاحزاب، آیه ۷۲.

۴ - النساء، آیه ۵۸.

و التقوی)'.^۱

این موضوع را پیامبر گرامی اسلام نیز تشویق کرده آنجا که فرموده: «أد الامانة الی من ائتمنک و لاتخن من خانک»^۲ امانت را به کسی که به تو اعتماد کرده برگردان و به کسی که به تو خیانت کرده خیانت نکن. در این خصوص خود پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز چیزهایی را از مردم به امانت نزد خویش نگهداری می کرده که به هنگام هجرتش به مدینه علی (ع) را مأمور برگرداندن آنها به صاحبانش قرار داد.

حکم قبول سپرده

سپرده و به ودیعت گذاردن مستحب، گاهی واجب یا حرام و یا مکروه است، بطوری که بعضی اوقات عللی سبب می شود که یک حکم اصلی به حکم دیگری تغییر یابد.^۳

ویژگیهای سپرده

۱ - سپرده، امانتی است نزد مودع که تنها در صورتی آن را ضمانت می کند که در حفظ و نگهداری آن کوشا باشد. پس هدف و غرض اصلی در عقد سپرده عبارت است از: حفاظت و اطمینان و اعتماد نه هدفی دیگر، بر خلاف سایر عقود امانات، که ممکن است هدف از آنها تنها وثیقه بودن مورد امانت باشد. مانند رهن و تملیک سود، که قرض دادن و اعتماد تابع غرض و هدف دیگری است.

۱ - مانده، آیه ۲.

۲ - الإمام احمد، المسند، ۴۱۴/۳.

۳ - البهوتی، کشاف القناع، ۱۶۶/۴.

۲ - هرگاه مستودع در امانت تعدی ورزد، مانند این که از خودرو استفاده کند یا به خرید و فروش با پول بردازد در این صورت برای او ضمان دارد. زیرا استفاده مال تعدی است که اثر آن زائل نمی‌گردد مگر با برگرداندن به غرض اصلی امانت که با عقد اجاره و قرض مخالفت دارد، زیرا شخص مستأجر و قرض‌گیرنده یا شیء مورد اجاره و قرض سود می‌برند بدون آنکه موجر هیچ دخل و تعدی در آن داشته باشد.

۳ - در امانت، اعتبار شخصی امانت‌گیرنده در حفظ و نگهداری مورد امانت غلبه دارد، پس کسی به جای امانت دهنده بدون اذن و اجازه امانت دهنده قدرت دخل و تصرف ندارد مگر در حالات ضروری یا نیاز، در حالی که در دیگر عقود امانتها مانند اجاره و شرکت شخص دیگری غیر از متعاقد این اجازه را دارد، زیرا هدف اصلی در آن انتفاع و سودبری است برخلاف امانت‌داری که هدف اصلی در آن حفظ و نگهداری است.

تعریف قرض

قرض در لغت مصدر قَرْضُ الشَّيْءِ يَقْرَضُهُ، به معنی بریدن است، یا قرض اسم مصدر به معنی اقراض است.

جوهری گفته است: قرض آن است که مقداری از مالت را، حسب تقاضا، به شخصی دیگر بدهی. استعمال بیشتر این کلمه در مورد پول نقد است هنگامی که شخصی آن را بگیرد و بدل و عوض آن را برگرداند.^۱

و قرض در اصطلاح یعنی دادن مال به شخصی که می‌خواهد از آن استفاده کند، و مقابل آن را پرداخت خواهد کرد. و این خود نوعی معامله

۱ - نزیه حماد، عقد القرض، ۸۶-۹، نقلا عن الفروق للعسکری.

است بر خلاف دیگر معاملات معروف قانونمند که شارع به جهت حاجتهای مردم آن را مصلحت دانسته و جائز شمرده است و این عقدی است لازم که برای قرض دهنده حق ایجاد می‌کند، زیرا در واقع وی مال خود را بدون هیچ مقابل و عوضی از ملکیت خود در می‌آورد و به شخص دیگری پرداخت می‌کند، و بدین وسیله برای قرض گیرنده دین حاصل می‌گردد.

حکم قرض دادن: قرض دادن در اصل حکم جواز دارد، زیرا به وسیله آن مشکلی از قرض گیرنده بر طرف می‌گردد، و البته گاهی به جهت مسائل مستحدثه و شرایطی خاص حکمش از جواز به وجوب تغییر می‌کند کما اینکه گاهی به جهاتی مکروه یا حرام می‌شود. در مورد مشروعیت آن نیز از هر سه مورد کتاب و سنت و اجماع دلیل آمده است:

۱ - خداوند متعال می‌فرماید: «من ذاالذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاً عفو له أضعافاً کثیرة»^۱.

۲ - در حدیث عبدالله بن سعود آمده: «ما من مسلم یقرض مسلماً قرضاً مرتین الاکان کصدقة مرة».

۳ - از «البهوتی» نقل شده که مسلمانان بر جواز آن اجماع دارند.

فروق بین قرض و سپرده

الف - در قرض ملکیت شخص قرض دهنده به قرض گیرنده انتقال می‌یابد، و پس از پایان مدت معهود قرض آن را پس می‌دهد، و معمولاً "بیشتر کاربرد آن در پول است. اما در امانت این طور نیست بلکه عین آن امانت نزد امانت گیرنده باقی می‌ماند و عیناً به صاحبش برگردانده می‌شود.

ب - قرض گیرنده پس از گرفتن قرض از پول استفاده و سود می برد اما امانت گیرنده (امانت دار) از امانت هیچ انتفاعی نمی برد بلکه تنها ملزم به نگهداری و حفظ آن می باشد.^۱

ج - قرض عقدی است به جهت رفاه حال قرض گیرنده اما امانت عقدی است در جهت رفاه حال امانت دهنده که نیاز به حفاظت و نگهداری از گم شدن یا دزدی و سرقت دارد.

تعریف سپرده مصرفی و ویژگی های آن

یکی از اقسام امانت های مصرفی حسابهای جاری است که با این مثال به شرح آن می پردازیم.

تعریف سپرده

سپرده به مال سپرده شده نزد امانت دار گویند، همچنین شامل عقدی می گردد که به موجب آن اقتضای حفاظت و نگهداری مال را به دنبال دارد. بنابراین امانت یک حقیقتی است بین دو طرف (امانت گذار و امانت دار) که شرح هر یک گذشت، اگر چه در عرف حقوقدانان عنوان «عقد» بر آن بیشتر پذیرفته شده است.

در فرهنگ حقوقی آمده: «مقصود از امانت نقدی مصرفی، پولی می باشد که افراد یا مؤسسات یا شرکتهای نزد بانک می سپارند تا در موقع نیاز و به محض درخواست صاحبان آن به ایشان به صورت پول نقد یا هر چه که مورد توافق آنها باشد بازگردانده شود»^۲.

۱ - نک: نزه کمال حماد، عقد القرض، ۱۳.

۲ - سمیحة القلیوبی، ۱۷؛ و نک: حسن الامین، الودائع المصرفية، ۲۰۸؛ حسن عمر، دائرة المعارف اصطلاحات اقتصادی، ۲۶۳.

محمد باقر صدر آن را اینگونه تعریف می‌نماید: «امانت به همه اشکال گوناگون آن در مفهوم بانکهای ربوی عبارت است از مبلغی که به شکلی از اشکال نزد بانکها به عنوان امانت مورد طلب سپرده می‌شود تا به محض درخواست یا موعد معین مورد توافق به صاحبش پرداخت شود. و این امر برای بانک التزام آور است از این جهت که بانک مبلغ معینی از واحدهای پول قانونی را به محض درخواست یا موعد معینی بر حسب توافق به خود صاحب حساب یا به دستور او به شخص دیگری می‌پردازد»^۱.

تعریف سپرده‌گذاری

ایداع عبارت است از عقدی که بین شخص امانت‌گذار (صاحب حساب) از یک طرف و امانت‌دار (بانک) از طرف دیگر برقرار می‌شود، که به موجب آن شخص مبلغ نقدی خود را به عنوان امانت نزد بانک می‌سپارد. از این تعریف بر می‌آید که ایداع در این معنی، شامل چکهای امانتی و غیره که قبلاً در عملیات بانکی به عنوان عقد ایداع مطرح بود نمی‌گردد. به همین جهت احمد الحسینی در رساله خود آن را اینگونه تعریف می‌نماید: «منظور از امانت بانکی، عقدی است بین بانک و طرف دوم که پول یا مانند آن را نزد بانک قرار می‌دهد. با این تعریف عقد ایداع شامل همه امانت‌هایی است که در بانک‌ها مرسوم است مانند حسابهای جاری، بلند مدت، پس انداز، وثیقه‌های عمرانی و مدارک معتبر برای فعالیتهای خاص، فلزهای گرانبها و اسناد معتبر»^۲. ملاحظه می‌شود این تعریف ایداع مال و غیره را نیز

۱ - البنك الأربوی، ۸۳-۸۴.

۲ - الودیعة المصرفیة، ۵۷.

در بر می‌گیرد.^۱

ویژگی‌های سپرده بانکی

سپرده‌ها گوناگون‌اند، و اگر از میان آنها فلزهای گرانقیمت و اسناد بهادار را - که به عنوان مال الاجاره یا امانت به شرط اجاره محسوب می‌شوند^۲ - استثناء کنیم، در می‌یابیم که بانکها می‌توانند ملکیت این پول‌ها را در اختیار گرفته و آنها را در فعالیتهای گوناگون به خدمت گیرند، هر چند مدت ماندن این پول‌ها در بانک کوتاه باشد.

حال تنها به مهمترین ویژگی‌های عمومی سپرده‌های بانکی می‌پردازیم، و شرح ویژگی‌های جزئی و اختصاصی آن را به مرحله دیگر می‌گذاریم.

۱ - به موجب عقد سپرده بانکی، ملکیت سپرده‌ها در اختیار بانک در آمده و بانک با توجه به فعالیتهای شغلی در آنها دخل و تصرف می‌نماید.

۲ - بانک ملزم است سپرده نقدی را در موعد معین بر حسب توافق طرفین یعنی یا عندالمطالبه و یا در موعد معین یا با اخطار و تذکر قبلی به صاحب حساب برگرداند.

۳ - بانک ملزم است مبالغی را که صاحب حساب به عنوان سپرده نزد بانک قرار داده، از نوع همان پول و یا ارزی که صاحب حساب سپرده سپرده‌دهنده (البته این در صورتی است که خلاف آن را توافق نکرده باشند)^۳.

۴ - برای سپرده‌گذار در مقابل این سپرده‌ها هیچ حقی ایجاد نمی‌شود.^۴

۱ - حسن الامین، الودائع المصرفية، ۳۱.

۲ - یا به عقیده بعضی سپرده حقیقی است.

۳ - سمیحة القلیوبی، الأسس القانونية: ۳۳۱؛ و نک: حسن الامین، الودائع المصرفية، ۲۴۴، ۲۴۷.

۴ - نک: حسن الامین، الودائع المصرفية، ۲۴۷ - ۲۴۸.

عین حال ممکن است بانکها برای جذب سرمایه‌ها مبالغی را به عناوین مختلف مانند جوایز حساب پس انداز، وثیقه‌های قرضی، وثیقه‌های جایزه‌ای و غیره برای مشتریان ارائه دهند تا موجب تشویق آنها برای روی آوردن به بانک و سپردن سرمایه‌های خود نزد بانک گردد.^۱

مبحث اول

مطلب اول

حسابهای جاری و سپرده‌های قرض الحسنه

هدف سپرده‌گذار از سپردن پول خود نزد بانک تنها حفاظت از گم شدن یا سرقت نیست بلکه بدنبال آن راغب است تا در مقابل بتواند بدون حمل پول معاملات خود را به انجام برساند.^۲ و حسابهای جاری یکی از مهمترین سپرده‌های مالی بانکی است که در شمار فعالیتهای بانکی رایج است و در جامعه به وسیلهٔ چک معاملات بسیاری از طریق آن انجام می‌شود که نزد همهٔ مردم اعتبار خود را پیدا کرده و بار رد و بدل شدن آن تعهدات مالی در موعد معین صورت می‌پذیرد. و حسابهای جاری در حال حاضر از مهمترین قسمت فعالیتهای بانکی به شمار می‌آید به طوری که در عربستان سعودی ۶۰٪ سپرده‌ها از همین قسم است.^۳

حال می‌طلبد تا به شناخت احکام آن و تعریف و بیان ویژگی آن پردازیم.

۱ - علی السالوس، حکم ودائع البنوك، ۶۷.

۲ - سمیحة القلیوبی، الأسس القانونية، ۳۴.

۳ - الحسنی، الودیعة المصرفية، ۷۵؛ سمیحة القلیوبی، الأسس القانونية، ۳۴۱.

تعریف سپرده حساب جاری

بسیاری از متخصصان این علم در تعریف آن گفته‌اند: «به مبالغ پولی اطلاق می‌شود که صاحبان آنها نزد بانک به عنوان سپرده قرار می‌دهند و بانک نیز در صورت مطالبه آنها به صاحبانش باز می‌گرداند، که آن را «سپرده‌های جاری» نام نهاده‌اند.^۱

ویژگی‌های حساب جاری

- ۱- اولین ویژگی حساب جاری آن است که عمومی است و کلیه عملیاتی که افراد به نوعی با آن سروکار دارند را تضمین می‌کند، همینطور تضمین پرداختهای شخص به طلبکار، و اخذ مبلغ (چک) از صاحب حساب و ریختن آن به حساب جاری که باید پول قابل قبول باشد.
- ۲- پرداختها باید معین و مقدار آن محدود و قابل پرداخت باشد تا در ارزیابی و حسابرسی دچار اختلاف نشود.
- ۳- پرداختها به بانک با ذکر عنوان صورت می‌پذیرد تا بتوان آنها را در حساب جاری قید نمود. حکمت این قضیه آن است که پرداختها دینی برای گیرنده نمی‌آورد مگر آنکه مالک آن گردد. اما اگر به عنوان وکیل آن را وصول نماید تنها پس از وصول به عنوان پرداخت محسوب می‌شود، زیرا شخص گیرنده به نیابت از صاحب حساب برای غیر خودش مبلغ را دریافت می‌کند، لذا مالک آن نیست تا دینی بر او گردد، و بر همین اساس اوراق تجاری که برای بانک به عنوان وکیل دارای ارزش‌اند در حساب جاری ثبت نمی‌گردند مگر اینکه عملاً وصول شوند، حال اگر تنها جنبه نقل ملکیت

۱- الحسنی، الودیعة المصرفية، ۶۸؛ الصدر، البنك الأربوي، ۲۳؛ سمیحة القلیوبی، الأسس القانونية، ۳۳۱؛

داشته باشد به مجرد پرداخت و ارائه به گیرنده قید می‌گردد.^۱

تطبیقات حساب جاری (سپرده‌های جاری)

آراء و نظریات دربارهٔ تطبیق عقد حسابهای جاری متعدد و مختلف است و می‌توان آنها را به ۵ دسته تقسیم نمود.

۱ - عده‌ای از نویسندگان معتقدند که حساب جاری سپرده‌ای حقیقی به معنی فقهی^۲ است و یکی از افرادی که قائل به این مطلب است «حسن الأمين» است به طوری که می‌گوید: سپردهٔ نقدی قابل برداشت همان مبلغی است که نزد بانک قرار می‌گیرد و هر وقت سپرده‌گذار آن را طلب می‌نماید از آن برداشت می‌شود، و این تمام آن چیزی است که در سپردهٔ حقیقی مطلوب است و هیچ شائبه‌ای در آن وجود ندارد، و اگر بانک بر حسب روال عادی خود در آن دخل و تصرف کند، این تصرف یکطرفه از سوی بانک برای شخص سپرده‌گذار هیچ هزینه و بهره‌ای ندارد زیرا سپرده‌گذار آن را به عنوان قرض به بانک نسپرد، و همین‌طور بانک نیز آن را به عنوان قرض نپذیرفته تا حق الزحمه بر آن طلب کند و این بر عکس سپردهٔ مدت‌دار است که به قصد بهره و سود به بانک سپرده می‌شود. و این به دلیل احتیاط بسیار در استفاده از آن و دخل و تصرف از سوی بانک است. همچنین در این نوع به محض طلب و درخواست سپرده‌گذار باید پرداخت صورت گیرد، که خود دلیلی است مبنی بر اینکه از جایگاه خود استفاده می‌کند و به مرکز قانونی مانند مرکز امانات و قروض استناد و تکیه نمی‌کند.^۳

۱ - سمیحة القلیوبی، الأسس القانونية، ۴۸۹ - ۴۹۵.

۲ - الحسنی، الودیعة المصرفیة، ۱۰۷.

۳ - حسن الأمين، الودائع المصرفیة ۲۳۳۰ - ۲۳۴؛ وانظر العمر، النقود الاثمانیة، ۱۲۵.

۲ - بعضی بر این عقیده‌اند که عقد ایداع بانکی سپرده‌ای نادر یا ناقص است، و این به خاطر آن است که سپرده بانک را ملزم نمی‌کند که عین آن را برگرداند بلکه مثل آن را برمی‌گرداند و این با قرض فرق دارد در این که سپرده‌گذار می‌تواند در هر زمان هر مقدار از آنچه را که نزد سپرده‌نگهدار گذاشته است طلب کند، و وی موظف است پیوسته شیء سپرده شده را از نظر نوع و مقدار همانطور که بود نگه دارد.^۱

۳ - و بعضی معتقدند عقد ایداع عقدی است که دارای طبیعت خاصی است یا این که آن از عقود نامگذاری شده نیست، زیرا عقدی است که دارای اهداف گوناگون است، و این همان سبب و دلیل شک در ملحق کردن آن به عقد سپرده یا به عقد قرض است. شخص سپرده‌گذار یا مشتری پول را برای حفظ آن یا پرداخت بدهی خود می‌سپارد و بانک این پول را برای استفاده از آن قبول می‌کند.^۲

۴ - و بعضی برآنند که این فوایدی که حاصل می‌شود اجرتی برای استفاده از پول به حساب می‌آید و لذا سپرده‌ها تحت عقد اجاره قرار می‌گیرند.^۳

۵ - و بسیاری از کسانی که درباره سپرده‌های بانکی و پول و کارهای بانکی مطلب نوشته‌اند بر این عقیده‌اند که سپرده‌های جاری قرض‌اند، و سپرده‌گذار در آن به منزله قرض‌دهنده و بانک همان قرض‌گیرنده است و به همین دلیل بانک ملزم نیست عین سپرده را حفظ کند بلکه آن را تملک می‌کند و فقط ملزم است مبلغی معادل آنچه را اخذ کرده، برگرداند و خطر از بین رفتن آن را با نیروی قدرتمند تقبل می‌کند و امکان دارد آن را با مناقصه

۱ - الحسنی، الودیعة المصرفیة، ۱۰۲.

۲ - همان.

۳ - السالوس، حکم ودائع البنوک، ۵۱.

اخذ کند؛ اکثر حقوقدانان و نویسندگان کتابهای اسلامی درباره سپرده بر این عقیده اند.

در اصول و قوانین عملیات بانکی آمده است « عقد ایداع همان عقدی است که بین سپرده‌گذار و بانک صورت می‌گیرد و به موجب آن سپرده‌گذار مبلغی را به صورت نقد نزد بانک می‌گذارد و مالکیت را به بانک واگذار می‌نماید»^۱.

در تطبیق سپرده بانکی آمده است « سپرده قابل برداشت که شکل حساب جاری قرضی به خود گرفته و قرض غیر مشروطی است که بانک از سپرده‌گذار می‌گیرد، زیرا آن پولی است که سپرده‌گذار می‌داند که بانک در آن تصرف می‌کند و مشتری آن را با رضایت به بانک سپرده است، لذا بانک اذن در تصرف دارد»^۲.

بحث و بررسی اقوال درباره تطبیق سپرده

به نظر می‌رسد اصطلاح سپرده جاری همچون دیگر اصطلاحات منقول از قوانین غربی نقل شده، و با همان لفظ نزد مسلمانان استعمال گشته است، با وجود اختلاف روشن بین دلالت لفظ و معنایش که در آن استعمال می‌شود، پس سپرده بانکی با اصطلاح سپرده شرعی منطبق نیست، زیرا بانکها آن را به عنوان امانت نمی‌گیرند تا عین آن را به صاحبانشان بازگردانند، بلکه در آن دخل و تصرف می‌کنند و فقط ملزم‌اند مثل آن را برگردانند، و گاهی نیز سودی برای اموالی که نزد آنها به ودیعه است، پرداخت می‌کنند، همچنین معلوم است که هیچکس اجرو مزدی به کسی که سپرده را نگه داشته

۱ - سمیحة الفلبوی، ۳۳۱.

۲ - الحسنی، ۱۰۵.

نمی‌پردازد.

پر واضح است که بانکها ضامنند مثل سپرده را برگردانند گرچه از بین رفتن پول به یک دلیل قهری باشد و سپرده تضمین نمی‌گردد مگر وقتی که شخص نگهدارنده سپرده در از بین رفتن پول مقصر باشد.

گروهی معتقدند سپرده بانکی تابع احکام ناقص سپرده است، به طوری که بانک دقیقاً همان سپرده را از نظر نوع و مقدار حفظ کند. این مطلب با واقعیت روش سپرده بانکی مخالف است، بانک در خزانه‌هایش مقدار معینی از پول به اندازه مجموع اموال سپرده نگه نمی‌دارد، و الاً تمام فعالیتهايش تعطیل می‌شود، بلکه به یک نسبت معینی از آنها را نگه می‌دارد و این همان چیزی است که به «ذخیره قانونی» معروف است تا در صورت درخواست‌های بستانکاران بتواند پاسخگوی آنان نیز باشد. و لذا همیشه نسبتی خاص از پول را ذخیره می‌کند و ملزوم به ذخیره عین حال اموال نیست.

اما آن نظریه که می‌گوید: سپرده بانکی عقدی است دارای ویژگی به خاطر اختلاف اهداف طرف‌های قرارداد اینگونه بررسی می‌شود که قرض در اصل عقد ارفاق است، و گاهی از این هدف به سوی هدف و مقصد دیگری مانند حفظ مال و امنیت از ترس دزدی تغییر می‌یابد، و محققاً بین فقهاء اسلام متقدمان و متأخرانشان به این امر اقرار کرده‌اند.

در «کشاف القناع» چنین آمده است: «قال القاضي و معنی الخط فی قرض مال الصبی و المجنون أن يكون للصبی أو المجنون مال فی بلد فیرید الولی نقله الی بلد آخر فیقرضه الولی الی رجل فی ذلک البلد لیقضیه بدله فی بلده، یقصد الولی بذلک حفظه... من نهب أو غرق أو غیرهما أو یكون المال ممّا تیلف بتناول مدته او یكون حدیثه خیراً من قدیمه... و ان أراد الولی أن

یودع ماله - أی الصغیر او المجنون - فقرضه لثقة أولى من ایداعه؛ لأنه أحفظ له»^۱.

قاضی می‌گوید: معنای بهره در قرض دادن مال کودک و یا دیوانه آن است که آن کودک و یا دیوانه مالی را در شهری داشته باشد و وی بخواهد آن را به شهر دیگری انتقال دهد بدین منظور آن را به شخصی در آن شهر قرض می‌دهد تا عوض آن را در شهر خودش بگیرد. غرض اصلی سرپرست، حفاظت مال از چپاول و نابودی آن است. یا این که مال به خاطر طولانی شدن مدتش تلف می‌شود یا این که تازه‌اش بهتر از کهنه‌اش است.... اگر سرپرست اراده کند مالش را یعنی مال آن صغیر یا مجنون را به ودیعه بگذارد بهتر است آن را به شخص مورد اعتماد قرض بدهد زیرا او از آن مال بهتر حفاظت می‌کند.

اگر چه گفته شده: این داراییها به معنی حقیقی یا ناقص سپرده‌هایی اند که می‌توان به کار گرفت یا در آنها دخل و تصرف نمود، چه به کار گرفتن آنها تعدی محسوب می‌شود و موجب گناه برای شخص متصرف است، زیرا بدون اجازه صاحب مال جایز نیست از آن دارایی بهره جست.

اما سخن آن گروهی که می‌گویند: سود حاصل اجاره به شمار می‌آید رد می‌شود با این تعبیر که امکان سود جستن از پول با وجود اعیان آن وجود ندارد. و آنچه که با وجود عینش قابل انتفاع نباشد قابل اجاره نیست.

مسائل ارجح در کیفیت عقد حسابهای جاری (سپرده قابل برداشت) با مطالعه بسیاری از کتابهایی که به کیفیت حسابهای جاری بانکها اهتمام ورزیده‌اند این مطلب به دست می‌آید که بسیاری از قانون‌گذاران با بسیاری

از متشرعان در این که سپرده‌های جاری بانکی قرض محسوب می‌شود هم عقیده‌اند. به عقیده ایشان صاحب مال همان قرض دهنده است و بانک همان قرض گیرنده، و این بدان معنی است که پولهای خود را به تملک بانک در می‌آورند تا بانکها نیر بتوانند در آنها دخل و تصرف کنند، البته این به شرطی است که به محض مطالبه توان پرداخت آن را داشته باشد.

در کتاب «الودیعة المصرفیه» چنین آمده است: «و تکیف الودیعة تحت الطلب التي تتخذ شکل الحساب الجاری الدائن بأنها قرض غیر شروط بأجل سیتقرضه المصرف من المودع بالانها نقود یعلم المودع أن المصرف یتصرف فیها و قد دفعها الیه راضياً بذلک فکان إذنا بالتصرف»^۱.

سپرده قابل برداشت به عنوان حساب جاری بستانکار به شمار می‌آید، و آن قرضی است به بانک که در آن وقت خاصی شرط نشده زیرا سپرده گذار می‌داند که بانک در آن دخل و تصرف می‌کند و آن را با رضایت به بانک می‌دهد و این خود اذن تصرف است.

و به همین دلیل فرقی در کیفیت سپرده‌ها وجود ندارد، چه سپرده‌ها در بانکهای ربوی باشد چه در بانکهای اسلامی، بلکه فرق در سودها و زمینه‌های فعالیت است، پس اگر اندازه سود سپرده ۵٪ تعیین و مشخص گردد این قرض ربوی و حرام است، و اگر سود، ناشی از مضاربه یا مشارکت باشد و نسبت بهره بر اساس اصول و قوانین مشارکتهای شرعی تعیین شود، جایز است.

این مطلب به چند دلیل تأیید می‌شود:

۱ - در صحیح بخاری از عبدالله بن زبیر وارد شده که گفت: هنگامی که زبیر

روز جنگ جمل ایستاده بود مرا فرا خواند وقتی به سوی وی رفتم گفت: ای پسرم امروز کشته نمی‌شود مگر ظالم یا مظلوم و من نیز یقین دارم که مظلوم کشته خواهم شد و تنها هم و غم من برای دیونم است... مالمان را بفروش و دین مرا بده و من وصیت به ثلث می‌کنم... پس وقتی زبیر کشته شد دینار و درهمی از وی نماند مگر دو قطعه زمین... گفت: تنها دینی که برگردن وی بود از شخصی بود که مالی را به او می‌سپرد و زبیر می‌گفت: نه؛ اما آن مرد رفته بود، پس زبیر خوف زائل شدن مال را داشت. عبدالله بن زبیر می‌گوید: مقدار دینی که برگردن وی یافتم دو میلیون و دویست هزار بود.^۱

۲ - همچنانکه معلوم است عرف بین تجار مانند شروط نزد آنهاست. چیزی که عرفاً معروف شود مانند شرط شروط است، و بانک این اموال را به قصد تملک و استفاده در فعالیتهای مختلف دریافت می‌کند. و نظام اصلی بانک بر این تصریح دارد که آنچه وارد بانک می‌گردد به تملک بانک در می‌آید و سپرده‌گذار مال خود را با علم به این مطلب به بانک می‌سپارد که عملیات بانکی این اموال را به عینه حفظ نخواهد کرد بلکه آن را با دیگر پولها مخلوط می‌نماید. و بر حسب فعالیتهایش با آن کار می‌کند و بانک فقط ملزم به برگرداندن مثل آن است و این همان حقیقت قرض است به طوری که از تعریفش بر می‌آید؛ یعنی دادن مال به کسی که از آن نفع ببرد و عوض آن را برگرداند.

۳ - در فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیه دلایل روشنی است بر این که مالی که داده شده و غرض صاحبش حفظ و غرض گیرنده سود جستن از آن بوده و عوض آن داده شده، مال مأخوذ قرض به حساب می‌آید؛ به طوری که

می‌گوید: کسی که از قرض گیرنده سفته بگیرد و پولی را به وی قرض دهد تا در شهر دیگری از وی بگیرد، مثل این است که غرض و هدف قرض دهنده حمل پولها به شهر دیگری است و حال آنکه قرض گیرنده در آن شهر درهم‌هایی دارد، و الان به درهم در شهر قرض دهنده احتیاج دارد. پس وی در شهری که درهم‌های قرض دهنده است، قرض می‌گیرد و برای او سفته می‌نویسد؛ این کار بنا بر قول اصح از دو قول علماء جایز است، و نیز بنا بر قولی این کار نهی شده است زیرا این قرض منفعتی در بردارد. و اگر قرض منفعت داشته باشد ریاست، در صورتی که جایز بودن این عمل صحیح است، چرا که هر دو ی آنها از این قرض دادن سود می‌برند. و شارع از آنچه که مردم سود می‌برند و به مصلحتشان است و به آن محتاج‌اند نهی نمی‌کند بلکه از آنچه که به ایشان ضرر می‌رساند و در کارشان فساد ایجاد می‌کند، نهی می‌کند. لذا این کار در عصر صحابه رسول خدا (ص) و بعد از آن مشهور و معروف بود، و محققان و دانشمندان اسلامی آن را قرض نامیده‌اند گرچه مقاصد عاقدان مختلف باشد چرا که اعتبار در هر عقدی هدف اصلی است اگر چه در آن مقاصد و اهداف دیگری نهفته باشند. و... اعلم.

آثار مترتب بر کیفیت حساب جاری

از آنچه گذشت روشن شد که سپرده‌های بانکی که بانک در آنها تملک دارد و در فعالیت‌های سودمندان به کار می‌روند قرض نامیده می‌شوند. و قرض دینی است بر ذمه شخص قرض گیرنده و بنابراین معنا، احکام راجع به کیفیت این اموال مختلف است به نسبت این که سپرده حقیقی شرعی است یا ناقص یا شاذ و نادر.

در اینجا به بررسی سه مسأله مهم می‌پردازیم.

اولاً: آن مقدار مال اضافه‌ای که به شخص قرض دهنده، علاوه بر اصل قرض پس از موعد داده می‌شود، چه مشروط باشد، چه معمول عرف باشد، چه قرض دهنده هرگاه که پولی را به دیگری قرض می‌دهد به آن عادت کرده باشد، در هر حال رباست و حرام. و دلیل آن در کتاب خداوند و سنت رسول الله (ص) بسیار است، از جمله:

۱ - خداوند متعال می‌فرماید: (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربوا ان کنتم مؤمنین فان لم تفعلوا فاذنوا بحربٍ من الله و رسوله و ان تبتم فلکم رؤوس اموالکم لا تظلمون و لا تُظلمون).

۲ - در حدیث صحیح از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: «خداوند خورندهٔ ربا و موکلش و کاتب و شاهد آن را لعنت کند»^۱.

و در حدیث دیگر است: «و کل قرض جرمنفعة فهوربا»^۲ هر قرضی که منفعتی در برداشته باشد رباست. بنابراین ضمان برعهدهٔ قرض گیرنده است و خسارتی متوجه شخص قرض دهنده نیست هر چند دلایلی باشد که منجر به تلف شدن آن گردد. اما بانکهای اسلامی اگر سپرده‌ای به عنوان قرض بگیرند هیچ اختلافی در حکم وجود ندارد بدین ترتیب که ردالمثل و ضمان واجب است. مثل مال و ضمانت وجود ندارد و بانکهای اسلامی که گردش پولشان بسیار است، شایسته است این اموال را برای رشد اقتصادی و اجتماعی و آموزشی جامعهٔ اسلامی به کار گیرند تا منجر به شکوفایی جامعه و تحقق یافتن عدالت اجتماعی و توزیع ثروت شود به نحوی که تنها در دست اقلیتی از افراد جامعه نباشد، چرا که شعار بانک اسلامی عبارت است از: رشد و شکوفایی به سود جامعه.

۱ - مسلم، الجامع الصحیح مع شرح النووی، ج ۱۱، ص ۲۶؛ الشوکانی، نیل الأوکار، ج ۵، ص ۲۱۴.

۲ - ابن حجر، تلخیص الحییر، ج ۳، ص ۳۹۵.

و این امر با به کارگیری باقیمانده حسابهای سپرده‌های جاری موجود نزد بانک است که با صاحبان آنها درباره بهره‌وری و بررسی منافع آن و مخیر نمودن امناء در تدبیر امور توافق صورت گرفته است؛ و سود بر مبنای شرط است و خسارت برحسب نحوه مشارکت؛ بدین ترتیب که اگر بانک فقط مجری باشد یا از اصول صحیح اداری مخالفت نکرده باشد خسارت متناسب با میزان اموال سپرده‌گذاران به عهده خودشان است. و اگر بانک هم در سرمایه شریک باشد و هم مجری به عنوان شریک مضاربه‌ای به حساب می‌آید که به نسبت سهمش در سرمایه متحمل خسارت می‌شود.

و صاحب مال می‌تواند نوع فعالیت، مدت مکان آن را تعیین کند به عنوان مثال عباس بن عبدالمطلب وقتی خواست مالش را به عنوان مضاربه پردازد شرط نمود که مضاربه کننده اموالش را از طریق دریا حمل نکند و در دره‌ای منزل نگزیند و با آن جاننداری را نخرد اما اگر رعایت نکرد خودش ضامن است، و شرطش را نزد رسول خدا(ص) برد و رسول خدا به وی اجازه داد. ثانیاً: حجر یا توقیف اموال سپرده مشتری در حساب جاری.

معنی توقیف: مسدود کردن حساب و عدم قابلیت تصرف در آن است، توقیف زیر نظر بانک صورت می‌گیرد، و به موجب آن بعد از امضاء نمی‌تواند هیچ مقدار از حساب را برداشت کند. و البته این ضبط تمام حسابهای مشتری در یک بانک را در بر می‌گیرد، حالا اگر حسابها در شعبات مختلف باشد، تنها آن قسمت از حسابهای مشتری را که داخل یک شعبه طلبکار ضبط کرده است مسدود می‌گردد.

حکم ضبط: اصل آن است که انسان در تصرف مالش آزاد است، و این آزادی مقید نمی‌شود مگر هنگامی که تصرفش به ضرر دیگران یا خودش منجر شود، یا به دلیل تجارت از راههای حرام، برای جامعه مضر باشد یا این که

تصرف، به ضایع شدن حقوق خودش یا حقوق دیگران منجر بشود. حساب جاری ذر قوانین وضع شده دارای ویژگی و مزایای معینی است لذا آثارش با دیگر عقود فرق دارد. در ابتدا طبق روش حاکم حساب جاری غیر قابل تجزیه بوده است، به طوری که بخشهای مختلف آن داخل در یکدیگر بوده و جدا ناپذیر. بر این اساس نمی توان در عملیات حساب جاری جایگاه هریک از طرفین را که آیا طلبکار است یا بدهکار تعیین نمود و به همین جهت نمی توان آن را توقیف نمود.

اما از این روش بدین شکل انتقاد شد که منجر به ضرر رساندن به طلبکار می شود و دست شخص بدهکار را در ضرر رساندن باز می گذارد و لذا حق ضبط از او سلب می گردد. البته این مسأله با آنچه که بعضی در مورد آن تصور کرده اند فرق می کند چرا که در تفسیر حساب جاری نیازی به از دست رفتن حقوق متقابل شخص نیست تا فرض کنیم که آن یک عقد خاص است.

به همین جهت برداشت مشتری از حسابش، درخواست مقداری از حقوق یا تمام حقوقش است به طوری که سپرده گذاری وی نزد بانک حکم قرض بدون زمان را داشته باشد و مشتری حق داشته باشد کل یا جزئی از آن را هر زمانی که می خواهد مطالبه کند.^۱

تشکیل دهنده های حساب جاری از جمله پول و نظایر آن در دو طرف حساب و چیزهایی شبیه به این، قابل تجزیه اند.

حجر یا ضبط در شریعت اسلامی اصطلاح خاصی است که در لغت، چندان با ضبط قانونی فرقی ندارد چرا که در شریعت آن نیز «حجر» نامیده می شود، اما در احکام با هم فرق دارند و حجر شرعی احکام و شروطی دارد

و آن هنگامی است که ممنوعیت انسان از تصرف در تمامی اموال موجودش یا آنچه بعد از ضبط به دست آمده مانند ارث و هبه و وصیت، باشد. البته این ضبط و توقیف در جایی است که کلی باشد حال می خواهد توقیف به نفع او یا دیگری باشد.

از مهمترین احکام حجر (منع) می توان به مورد مفلس اشاره کرد بدین ترتیب هرگاه او دینهای حلالی داشته باشد که اموالش در پرداخت آن کفایت نکند و از طلبکارانش بخواهد که وی را منع کنند، بر ایشان است که با وی همکاری کنند همچنین مستحب است که این منع آشکار گردد تا از معامله با وی خودداری شود و به موجب این حجر چهار حکم بر وی ثابت می گردد که عبارتند از: تعلق یافتن حقوق طلبکاران به عین مالش به همین دلیل دیگر تصرف در عین مال او ممکن نیست و اگر تصرفی هم صورت گرفت صحیح نیست. و هریک از طلبکاران مالی از او پیدا کنند در ضبط و بزداشت آن محقاند بدین ترتیب که حاکم اموال وی را به فروش می رساند و به نسبت دیون بین طلبکاران تقسیم می کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مهمترین فرقه‌های بین حجر قانونی و حجر شرعی

۱ - حجر در بانکها تنها در شعبه‌ای که تقاضای منع شده صورت می گیرد و نه در بقیه شعب، همچنین شامل اموال غیر سپرده و اموالی که جدیداً به دست آمده نمی شود، اما حجر در شریعت شامل تمامی اموال موجود و جدیدی که بتازگی از طریق ارث یا وصیت بدست آمده چه سپرده باشد چه غیره سپرده .

۲ - حجر فقط بر باقیمانده حساب در بانک مورد نظر که در آن حجر صورت گرفته اعمال می شود و در سایر بانکها نیاز به اجرای مستقل دارد و به همین

خاطر گاه بر شخص غنی منع و جلوگیری (حجر) تعلق می‌گیرد اما در شریعت اگر ضبط اموال شروطش تکمیل گردد بر همه اموال واقع می‌شود و ناگزیر باید قبل از حجر (ضبط اموال) مطمئن شویم که مال شخص به دیونش نمی‌رسد - یعنی مفلس است - اما ثروتمندی که ملاحظه و امروز و فردا می‌کند، حاکم وی را به وفا به عهد امر می‌کند، اگر ابا کند وی را به زندان می‌افکند و اگر سرباز زند، او را تعزیر می‌کند و باز اگر سرباز زد و اصرار کرد قاضی اموال وی را می‌فروشد و درجا دینش را می‌پردازد و اموالش را ضبط نمی‌کند.

ثالثاً: غرامت در حساب جاری.

تعریف غرامت (مقاصه): مقاصه در لغت از «قَصَّ» گرفته شده یعنی قطع «قصصت الشعر» یعنی مو را قطع کردم.

غرامت در حساب جاری نتیجه شناخت اوصاف و کیفیت آن است. گفتیم که در حساب جاری جنبه شخصی، برای حقوق فردی کم‌رنگ می‌شود و تنها بر تجزیه آن تکیه شده است و دارای مبدأ عدم تجزیه نمی‌باشد به همین دلیل قائل به جواز حجر به شکل قانونی شده‌اند.

اما در شریعت اسلام این گونه نیست که جنبه فردی و شخصی در حساب جاری ذوب و نابود شود بلکه مبتنی بر دو مسأله است.

امر اول: کیفیت برداشت مشتری از حساب جاری که آیا قرض به شمار می‌آید یا برداشت از حق خود است؟ اگر قرض از بانک است مشتری در این خصوص مقروض است و بانک طلبکار در مقابل آنچه به او قرض داده شده، پس در اینجا دو دین متقابل است که بین آن دو غرامت قهری به محض حصول آن دو بدون نیاز به عقد یا قرارداد از پیش تعیین شده‌ای قابل اجراست؛ و چیزی باقی نمی‌ماند مگر این که به بیان فرق بین باقیمانده

حساب طلبکار و بدهکار پرداخت.

اما اگر برداشت مشتری را برگرفتن حق خود از حساب جاری به شمار آوریم پس حساب جاری متشکل از دو فهرست از دیون متقابل نیست بلکه از دو فهرست یکی نشانگر دیون صاحب حساب بر عهده بانک است به اندازه‌ای که در حساب جاریش اموال قرار داده است و دیگری نشانگر مقداری است که صاحب حساب از حساب خود برداشت کرده است، و در این صورت غرامتی وجود ندارد و این رأی به حقیقت «برداشت» نزدیک‌تر است؛ چرا که بانکها برای برداشت مشتری از همه دارائیش یا قسمتی از آن در همان روزی که سپرده‌گذاری صورت می‌گیرد، مانعی نمی‌بینند. و اگر هم، قرض گرفتن از بانک به حساب بیاید محققاً مقدار تابع نظر بانک است. همچنین اگر برداشت‌کننده چک صادر کند یا به برداشت بیش از حسابش مبادرت کند مجازات مالی یا جسمی برای وی در نظر گرفته می‌شود. و این دلالت می‌کند بر این که آنچه را که برداشت می‌کند گرفتن حق به شمار می‌آید، چرا که اگر قرض بود در این صورت رد نمودن جزایی بر او تعلق نمی‌گرفت بنابراین شخص قرض‌گیرنده اگر قرضی را طلب کند جزایی ندارد بلکه یا جواب مثبت می‌گیرد و به او قرض می‌دهند و یا خواسته‌اش رد می‌شود.

اما اگر برداشت علنی باشد آن دین - قرض - بر عهده مشتری است که غالباً در موارد خاصی انجام می‌شود. و مشتری با این قرض بدهکار به حساب می‌آید.

دومین امر مترتب است بر این که: برداشت مشتری از حساب جاری قرض به شمار می‌آید و ذمه شدن بانک به این قرض تقابل دو دین است و حال آنکه پیامبر اکرم (ص) از بیع « علف با علف » نهی فرموده است و حکم

بیع نسیه با نسیه حرام به شمار می‌آید و اگر بیع صورت بپذیرد فاسد است و با تعمق در اشکال دین به دین و سبب منع آن این بدست می‌آید که این نوع از صور ممنوعه نمی‌باشد زیرا از بیع نسیه با نسیه نهی شده است اما مسأله غرامت اسقاط ماسبق است و بیع جدید به شمار نمی‌آید.

در نظریه عقد این گونه آمده است: در دین واجب به دین واجب اجماع شده است مانند سلف مؤجل از سوی طرفین، و این شکل بیع آن چیزی است که بر ذمه است تا از ذمه خارج گردد و در تحریم آن هیچ نصی یا اجماع یا قیاسی وجود ندارد و بدین ترتیب هر یک از آن دو می‌توانند دین دیگری را بخرند و بر ذمه خود قبول کنند و در «الفتاوی» آمده پیامبر (ص) از بیع کالیء با کالیء نهی کرده است و از بیع دین ما فی الذمه نهی نکرده به همین جهت بنا بر قول اظهر علماء جایز است.

و شاید آنچه که گذشت در خصوص بیان حجر یا توقیف حسابهای جاری و گرفتن غرامت در مورد آن جوابی است که طبق آن جایز است رهن یا ضمان یا مبلغی را برای خرید سهامها اختصاص دهد؛ پس اگر برداشت و غرامت مال و غرامت گرفتن و تجزیه شدن حساب جایز باشد در این صورت جایز است.

مطلب دوم

سپرده‌های پس انداز

از دیگر مواردی که با حساب جاری نسبت دارد سپرده‌های پس انداز است که به تعریف و کیفیت آن می‌پردازیم.

تعریف سپرده حساب پس انداز

مبالغی است نقدی که افراد به بانک می‌پردازند تا برای آنها حساب پس انداز گشایش یابد تا به موجب آن بتوانند در هر زمان همه یا مقداری از آن را برداشت کنند.

هدف صاحب حساب از این نوع سپرده‌گذاری حفظ دارایی از ضایع شدن و همچنین عادت کردن به پس انداز و ذخیره است البته گاهی بهره‌وری و سود گرفتن نیز مورد نظر است که بانک برای چنین سپرده‌هایی در نظر می‌گیرد.

صاحب حساب هرگاه بخواهد می‌تواند بر مقدار آن بیفزاید و همچنین از آن برداشت نماید این برداشت را ممکن است خود او یا نماینده او انجام دهد. بانک برای این حسابها چک صادر نمی‌کند بلکه به صاحبان این گونه حسابها دفترچه‌هایی می‌دهد که در آن برداشت‌ها و واریزها قید می‌گردد. برداشت از این گونه حسابها بسیار سهل است مگر در موسم‌ها و اعیاد.

کیفیت سپرده‌های پس انداز

از تعریف این سپرده‌ها بر می‌آید که شبیه حسابهای جاری اند از جهت امکان برداشت در هر زمان اگر چه بعضی از بانکهای اسلامی برداشت را به یک بار در ماه محدود کرده‌اند همچنین شبیه به بعضی از سپرده‌های مدت دار است که بانکهای ربوی به آن سود می‌دهند.

بهره‌برداری از این گونه حسابها به دو شکل صورت می‌گیرد:

۱ - در بانکهای اقتصادی که سودهای معینی به نسبت معینی که از پیش براساس کمترین باقیمانده حساب در یک ماه تعیین شده است. این ربای قرضی و شرعاً حرام است.

۲ - در بانکهای اسلامی که این سپرده‌ها صورتهای گوناگون دارد در بعضی از آنها صاحب حساب حق دارد هر وقت که خواست سپرده‌اش را برداشت کند بر آن سود نیز تعلق می‌گیرد که البته معیار آن باقیمانده حساب در ماه است. در بعضی دیگر از آنها صاحب حساب تنها یک بار در ماه می‌تواند برداشت کند و اگر بیش از یک بار در ماه برداشت کند در آن ماه سود به او تعلق نمی‌گیرد. البته حق برداشت در هر وقت که خواست برای او محفوظ است و در این نوع بانکها برای احتیاط همیشه یک نسبت معینی را نگهداری می‌کنند که آن را به کار نمی‌گیرند تا بتوانند پاسخگوی برداشت از حسابها باشند و البته به آن سود تعلق نمی‌گیرد. بر همین معیار است سپرده‌هایی که صاحبان حساب به بانک حق بهره‌برداری از پول به عنوان قرض الحسنه را تفویض نمی‌کنند.

اما سپرده‌هایی که در آن به بانک حق بهره‌برداری تفویض شده باشد چه طرح بهره‌برداری آن معین باشد یا نباشد، صاحبان اموال همان سپرده‌گذاران اند و بانک عامل است البته در صورتی که چیزی به سرمایه مشارکتی اضافه نکند اما اگر اضافه نمود در صورتی که خود اداره طرح را به عهده داشته باشد شریک و مضاربه کننده است. اما اگر اداره آن را به دیگری واگذار نماید به عنوان وکیل مضاربه شناخته می‌شود در المعنی آمده است: در صورت اذن صاحب مال تنها جایز است که سرمایه در مضاربه به کار

گرفته شود (بنابر تصریح احمد) و خلافی برای آن یافت نشده است که در این صورت عامل اول وکیل صاحب مال در آن مضاربه است و اگر بگوید سرمایه را به کار بگیر بر طبق احکام شرع جایز است که با آن مضاربه شود زیرا او دیگری را بیناتر و متخصص تر در این مسأله می یابد.

مطلب سوم

در بسیاری از پیمانکاری ها و معاملات تجاری و اقتصادی بویژه نوع خارجی آن انگیزه ایجاد این گونه سپرده ها فراهم شده است. زیرا صادرکننده خارجی مایل نیست کالایش را به مشتری ناشناس بفروشد و تضمینی برای رسیدن به قیمت کالایش وجود نداشته باشد. از طرفی مشتری نمی خواهد قیمت کالایی را بپردازد که بیقین نمی داند آیا خصوصیات همان کالایی را دارد که خریده است یا کالا عوض شده؟ و اینجاست که بانک به عنوان واسطه بین دو طرف معامله است و اقدام به گشایش سپرده های اعتباری می نماید که به تعریف و کیفیت آن می پردازیم.

تعریف سپرده حساب اعتباری

عقدی است بین بانک و مشتری که بانک به موجب آن مبلغی را تحت تصرف مشتری قرار می دهد که در مدت معینی آن را بپردازد. و از طرفی مشتری حق صدور چک و برداشت از آن را دارد مانند سپرده های نقدی.

کیفیت سپرده اعتباری

سپرده اعتباری بانک به دو صورت است:

اول: وام دادن با پرداخت اصل مبلغ به مشتری یا واریز کردن به حسابش که در این صورت وامی است که احکام قرض بر آن جاری است؛ اگر این وام با سود باشد ریاست و شرعاً حرام و اگر بدون سود باشد قرض الحسنه است.

دوم: در این شکل شخص وام گیرنده کل مبلغ را دریافت نمی کند، بلکه مقداری را دریافت می کند و الباقی در پرونده بانک می ماند. آنچه را که دریافت می کند قرض به شمار می آید و آنچه را که دریافت نمی کند وعده قرض. و من معتقدم که در این نوع برای صادرکننده تضمین (ضمان) وجود دارد جهت پرداخت دیون مشتری به هنگام رسید کالا مطابق با شروط خود. گاهی بعضی از بانکها کل مبلغ را طلب می کنند یا قسمی از آن را که اگر کل مبلغ پرداخت شود این مبلغ به طور امانی نزد بانک می ماند تا کالا دریافت شود و از مطابقت آن یقین حاصل شود. سپس حق هر یک را می پردازد اما اگر مشتری همه مبلغ را نپردازد آن مقداری که پرداخت می کند قسمتی از قیمت است و آن مقدار که پرداخت نمی کند ضمانت بانک را در بر دارد و به هنگام دریافت کالا به صادرکننده پرداخت می شود.

در کتاب «الروض المرعب» آمده اگر هر یک از فروشنده و مشتری به عهد خود وفا نکند و مثلاً "فروشنده بگوید زمانی کالا را می دهم که پول دریافت کنم و مشتری بگوید زمانی پول را می دهم که کالا را دریافت کنم؛ در این صورت یک عادل برای داوری تعیین می شود که کالا و پول را از هر دوی

آنها بگیرد، کالا را به مشتری می‌دهد سپس پول را به فروشنده تقدیم می‌کند و چرا که عرف مردم این گونه است.

و آنچه بانک به عنوان فرد برمی‌دارد اگر یک بار باشد و آن هم به اندازه حق‌العمل کاری و با اختلاف مبلغ فرقی نکند، جایز است چرا که اجرتی است برای کاری که به عهده بانک نیست لذا مستحق آن است و اما آنچه در مقابل کارشناسی کالا و شناخت مطابقت داشتن آن با قوانین یا عدم آن انجام می‌دهد اجرت وکالت است.

مبحث دوم

تأثیر حسابهای جاری در فعال نمودن حرکتهای اقتصادی

معمولاً صاحبان سرمایه، دارایی‌های خود را نزد بانکها برای جلوگیری از سرقت و غصب یا مفقود شدن می‌سپارند. البته در این میان ممکن است عده‌ای برای هدف خاصی مانند ثبت و ضبط در سهام شرکتی یا اجرای یک معامله مشخص بازرگانی که تنها با یک یا دو معامله انجام نمی‌گیرد اقدام به گشایش حساب جاری نمایند. چرا که فعالیتهای اقتصادی گسترده و به هم پیوسته‌اند و حد و مرزی را نمی‌شناسند، و در این بین معمولاً بانکها واسطه‌اند.^۱

بانکها مؤسسه‌هایی هستند که هدف از تأسیسشان امانت گرفتن و

پذیرفتن سپرده از صاحبان سرمایه^۱، اجرای سفارشات راجع به حسابهای جاریشان، صدور چک و پرداخت، اعطای قرض و وام، تهیه و اجرای برگه‌ها و اوراق بهادار، گشایش حساب جاری، قبول امانت در اشکال مختلف است که خود این امانت‌ها و سپرده‌ها سهم فعالی در به گردش در آوردن چرخه‌های اقتصادی کشور دارند و به عنوان منبع اصلی فعالیت بانکی به شمار می‌آیند، به طوری که قسمت اعظم درآمد بانکها را همین وصولهای خارجی و بویژه سپرده‌های جاری در بانکها تأمین می‌کند.^۲

بنابراین اگر چه بانکها در اصل محل نگهداری سرمایه‌های مردم‌اند، اما این کمترین وظیفه‌ای است که ایفا می‌کنند. از این مسؤلیت مهمتر عبارت است از: پرداخت وام به تولیدکنندگان و صنعتگران و کشاورزان و نیز عملیات بازرگانی در شکل گسترده، بدین ترتیب پول در بخش اقتصادی کشور به کار گرفته می‌شود و از طریق بانکها حیاتی تازه در شریانهای اقتصادی تزریق می‌گردد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در اینجا لازم است به بررسی مهمترین بخش دریافتهای بانکها بپردازیم تا نسبت سپرده‌ها و پولهای نقدی به بانک در مقایسه با دیگر خدمات روشن گردد.

۱ - نوعی دیگر از سپرده‌ها می‌باشد که سپرده‌های عمومی نام دارد، که معمولاً از سوی دولت در بانک مرکزی می‌باشد، که در واقع بودجه‌های عمومی بانک مرکزی می‌باشد. حسین عمر، فرهنگ اصطلاحات، ۲۶۳.

۲ - الحسنی، الودیعة المصرفیة، ۷۵.

۱ - سرمایه‌های سپرده نزد بانک تنها به عنوان مهمترین منبع درآمد حائز اهمیت نیست، بلکه اهمیت آن بدان جهت است که بیانگر اعتماد سپرده‌گذاران به بانک و پشتیبانی بانک و اعتبارش در مناسباتش با خارج است.

۲ - بهره‌های بانکی، که عبارت است از مبلغی معین که بانکها از سود حاصل در فعالیتهای خود به دست می‌آورند و آن خود برد و قسم است: الف - قانونی^۱، ب - اختیاری.

۳ - حسابهای جاری.

۴ - سپرده‌های پس انداز.

۵ - سپرده‌های مختلف سودآور در مقابل تفویض یا غیر آن.

آنچه مسلم است این که سرمایه‌های ورودی به بانک که مؤسسات دولتی نقدی انجام می‌دهند در مقایسه با دیگر سرمایه‌ها و دریافتیهای بانک بسیار ناچیز است. بانکها پول‌هایی را که از مردم دریافت می‌دارند به صورت وام در دسترس بخشهای تولیدی و اقتصادی قرار می‌دهند و در مقابل سود معینی را باز پس می‌گیرند، که این مقدار به نسبت سهمی است که بانک با افراد قرارداد منعقد می‌سازد. معمولاً "۳۰٪ از سرمایه‌های بانکها به این امر اختصاص دارد و بانکها ۷۰٪ باقیمانده سپرده‌ها که حسابهای جاری عمده آن را تشکیل می‌دهد، بهره‌برداری می‌کنند. بدین ترتیب که بانکها سرمایه‌ها را در اختیار تولید کنندگان و صنعتگران قرار می‌دهند و بخشهای صنعتی،

۱ - سودی است که با نص صریح قانون معین می‌شود. (جهاد ابو عویمر، الرشید الشرعی، ۳۱۹ - ۳۲۰).

کشاورزی، بازرگانی کشور فعال می‌شود و چرخه‌های اقتصادی به حرکت در می‌آید. این امر موجب گردش پولی، و گسترش دامنه معاملات به وسیله سپرده‌های بانکی، از طریق چک بین افراد می‌گردد. بدین ترتیب داد و ستدها و معاملات تجاری، بازرگانی و عمرانی افزایش و رونق می‌یابد، به خصوص اگر این سپرده‌ها در فعالیتهای مشارکت یا مضاربه یا امور کشاورزی به کار گرفته شود که این روش بدون شک در رشد و توسعه که سود آن برای کل جامعه است، به نحو احسن سهم خواهد بود، و سهم بانکهای ربوی که به سپرده‌ها بهره‌های ربا پرداخت می‌کند را کاهش می‌دهد. ضرر اقدامات ربوی بدین شکل بود که بانکها به جای این که پولها را به کار بگیرند تنها به سود سپرده‌ها اکتفا می‌کردند و این امر موجب افزایش تورم، انتشار و شیوع بیکاری، خارج شدن سرمایه‌ها از کشور، و به کارگیری آنها و سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها می‌شد. و بدین ترتیب مسلمانان از فعالیتهای اقتصادی و قدرت معامله عقب می‌ماندند و در مقابل، بانکهای بیگانگان فعال می‌شدند و رفاهیات کشور خودشان را گسترش می‌دهند. این امر موجب می‌شد کشورهای اسلامی از امکانات مالی ضعیف برخوردار شوند و برای احتیاجات اولیه خود و تأمین آنها به بانکهای اجنبی محتاج گردند. و بدین ترتیب اموال مسلمانان را که قبلاً از کشور خارج شده بود بار دیگر بانکهای اجنبی به آنها به صورت وام برمی‌گرداندند اما این بار با منت‌گذاری و تحمیل سودهای سنگین و شرایط سخت و بدین ترتیب به بانکهای خارجی فرصت طلایی داده می‌شود تا سودهای مضاعف را برای رشد و شکوفایی مردم خود به ارمغان آورند.

همچنین - سپرده‌های بانکی - که در واقع همان پولهای عاطل و سرگردان بوده‌اند فرصت می‌یابند تا در زمینه تولید و بهره‌برداری به صورت وام‌ها یا مشارکت یا مزارعه به کار گرفته شوند و به موجب آن بانکها قدرت گشایش اعتبار را بیابند. اعتبار بانکی در سپرده بانکی این گونه است که پرداخت حتماً صورت می‌گیرد و تخلف وجود ندارد در نتیجه وسایل پرداخت غیر نقدی افزایش می‌یابد و هر قدر وسایل پرداخت افزایش یابد حرکت و روند اقتصادی، کشاورزی، صنعتی، رشد می‌یابد و بیکاری کم می‌شود. از دیگر فوائد سپرده‌گذاری در عملیات بانکی و برای جامعه آن است که بانکها به دنبال سفارش و تأکید دولتها بدان روی می‌آورند بدین معنی که دولتها از این طریق سعی دارند تا از اسراف جلوگیری کنند و برای خرج کردن مردم حد و مرزی قرار دهند تا مردم پس اندازهای خود را به بانکها بسپارند و از آن برای امور عام‌المنفعه و در طرح پیش بررسی شده به کار گرفته شود و این مطلب باید بر اساس اصول و مبادی صحیح و برنامه‌ریزی شده صورت گیرد تا نتایج عکسی را در به کارگیری آنها در وامهای ربوی غیر تولیدی بدنبال نداشته باشد.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی